

جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و کنوانسیون‌های

بین‌المللی

دکتر عبدالعلی توجهی^۱

با ظهور بزه‌دیدشناسی در دهه‌های اخیر، خوشبختانه گام‌های بلندی در راستای مطالعه علمی بزه‌دیدگان و شناسایی ویژگی‌ها و عملکرد آنان در ارتکاب جرم برداشته شد و با عنایت به تأثیرگذاری انگیزه‌های اخلاقی و مذهبی بر آن، چشم‌انداز جدیدی تحت عنوان «حمایت از بزه‌دیدگان» فراروی بزه‌دیده‌شناسان قرار گرفت. مبانی مستحکم و ارزشی این اندیشه نوین در کنار ضرورت و واقع‌بینی ابعاد آن، موجب گردید که طرح حمایت از قربانیان جرم، در اندک زمانی، جای خود را در اسناد و کنوانسیون‌های جهانی بیابد.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده، حمایت از بزه‌دیدگان، جرم‌شناسی، کنوانسیون‌های بین‌المللی.

مقدمه

همان‌گونه که در مقاله قبلی اشاره شد^۱، یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی تأثیر شگرفی بر سیاست جنایی جوامع در قبال بزه‌دیدگان داشته، زمینه ارتقا و بهبود موقعیت حقوقی آنان را فراهم نموده است. از سوی دیگر، پیدایش چشم‌انداز نوین آن یعنی ظهور اندیشه حمایت از قربانیان جرم، که ضمن حفظ هویت قبلی بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده را به عنوان یک انسان بدون توجه به فعلیت یافتن عمل جنایی و دخالت وی در وقوع جرم مدنظر قرار می‌دهد، موجب گردیده که این حوزه از جرم‌شناسی وسعتی در خور توجه بیابد. در توجیه اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و بیان مبانی آن، نظریات متعددی ارائه شده است. اشاره به برخورداری این اندیشه از مبانی فلسفی و انولوژیک از سوی آقایان «والک لیت» و «ماوبای»^۲، پذیرش مبنای ارزشی از سوی «عزت عبدالفتاح»^۳، تکیه بر قصور دولت‌ها در جلوگیری از بزهکاری از سوی «ریموند گسن»^۴، جهت‌دهی قضایا به حل و فصل غیرقضایی از سوی جنبش الغای سیستم کیفری به رهبری «لوک هولسمن» هلندی^۵ از مهم‌ترین موارد ذکر شده برای توجیه مبانی این اندیشه است.

نظر نگارنده آن است که مهم‌ترین مبنای حمایت از بزه‌دیدگان، نقش مؤثر آن در تقلیل بزهکاری است، زیرا حمایت از قربانیان جرم، از سویی آنان را از موقعیت آسیب‌پذیری و بزه‌دیدگی مکرر خارج می‌سازد و از سوی دیگر، خطر انتقام‌فردی و ارتکاب جرم را تقلیل می‌دهد. با توجه به مبانی ذکر شده و با عنایت به ضرورت عینی حمایت از بزه‌دیدگان به عنوان انسان‌های آسیب‌پذیر، اندیشه و طرح حمایت از بزه‌دیدگان، به رغم نوپایی، در مدت زمان کوتاهی، رشدی شگرف داشته، توجه جهانیان را به خود معطوف نموده است.

اصولاً اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان، پس از جنگ جهانی دوم تقویت گردید و به

۱. ر.ک: عبدالعلی توجیهی، «سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان».

2. R.L. Mawby & Walk Late, *Critical Victimology*, p. 173.

۳. عزت عبدالفتاح، «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده»، ص ۹۳.

۴. ریموند گسن، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کونیا، ص ۱۹۷.

۵. ر.ک: ژان پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ص ۱۴۲-۱۴۳.

تدریج در قالب‌های مختلفی چون ایجاد حق مطالبه ضرر و زیان در ضمن دعوی کیفری یا جبران خسارت بزه‌دیده، به عنوان پیش‌شرط معافیت یا تعلیق کیفر مجرم، وارد حقوق موضوعه شد. این تحول از سال ۱۹۴۲ توسط دانشمند هلندی به نام «وان بی میلین»^۶ شدیداً گسترش یافته، متعاقب آن فریاد عدالت برای حمایت از بزه‌دیدگان توسط خانم «مارگری فرای»^۷ بلند شد. در همین زمان منشور حقوق قربانیان اعمال مجرمانه، توسط «آندره تورماندو»^۸ مطرح گردید^۹ سپس بانیان مکتب دفاع اجتماعی نوین به رهبری مارک آنسل، به تقویت و تداوم طرح حمایت از بزه‌دیده پرداختند. آقای آنسل، ضمن اشاره به ظهور افکار حمایت از بزه‌دیدگان و تأثیر آن بر سیاست جنایی معاصر می‌نویسد:

نتیجه منطقی این افکار در توجه به تضمین هر چه بیش‌تر حقوق زیان‌دیده از جرم و تأمین مؤثر جبران خسارت از وی، متجلی می‌شود. چه، در واقع شکایت قانونی زیان‌دیده علیه مجرم - که اغلب اوقات نیز معسر است - آن هم در صورت امکان دست‌یابی به وی، برای جبران خسارت کافی نیست. بدین جهت است که قانون‌گذاران در کشورهای مختلف به اتخاذ تدابیر گوناگون و مؤثرتر برآمده‌اند که در این جا به عنوان نمونه، می‌توان به بیمه اجباری وراثندگان اتومبیل اشاره نمود. بعدها برخی از کشورها با ایجاد یک بخش ویژه مددکاری و امکان طرح دعوی زیان‌دیده از جرم علیه دولت یا یک نهاد دولتی، امکان جبران خسارت واقعی مجنی علیه را فراهم ساخته‌اند.^{۱۰}

تحولات قوانین جزایی بسیاری از کشورها در جهت حمایت از بزه‌دیده و تأسیس سازمان‌ها و انجمن‌های مربوط به آن در ربع آخر قرن بیستم، مؤید این حقیقت است که دهه‌های اخیر، زمان اوج شکوفایی و موفقیت جنبش‌های حمایت از بزه‌دیده محسوب می‌شود. به منظور تبیین بیش‌تر این مطلب، تحولات یاد شده در کشورها و سطوح زیر

6. Van Bemmeilen.

7. Margery Fry.

8. Andre Normandeau.

۹. زان پرادل. همان، ص ۱۴۴.

۱۰. مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ص ۱۵۱.

مطرح می‌گردد:

- ۱- جنبش‌های حمایت از بزه‌دیدگان در امریکا
- ۲- جنبش‌های حمایت از بزه‌دیدگان در سطح اروپا
- ۳- جنبش‌های حمایت از بزه‌دیدگان در قلمرو بین‌المللی
- ۴- جنبش‌های حمایت از بزه‌دیدگان در ایران

۱) شکوفایی اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جنبش‌های مربوط به آن در امریکا

در کشور امریکا، سازمان‌ها و مؤسسات دفاع از حقوق بزه‌دیدگان، در دهه‌های گذشته بیش‌ترین موفقیت را در امر تجهیز حمایت‌های قانون‌گذار نسبت به حقوق بزه‌دیده داشته‌اند. همزمان با ظهور جنبش‌های حمایت از حقوق زنان در سال ۱۹۶۰، جنبش حمایت از حقوق بزه‌دیدگان، نقش برجسته‌ای را در تحولات سیستم کیفری معاصر آن کشور ایفا نموده است.^{۱۱} این جنبش، ضمن فعالیت‌های چشمگیر خود، در آغاز با تقاضای تدوین قوانینی در راستای جبران خسارات بزه‌دیده حرکت نمود و در کنار آن، خواهان تقلیل آثار ضربات روحی دادگاه‌ها بر بزه‌دیدگان، از طریق وضع قوانین و پیش‌بینی موقعیتی مناسب برای بزه‌دیده در دادگاه‌ها شد و از قضات درخواست نمود که به بزه‌دیده اجازه مشارکت فعال و حتی تأثیرگذاری در امر دادرسی را بدهند. در همان زمان، جنبش یاد شده، به محتوای سیستم دادرسی کیفری آن کشور که جایگاه بزه‌دیده را مهم نمی‌دانست، حمله کرد. در اواخر سال ۱۹۸۰ با تشکیل بخش ویژه رئیس جمهوری در مورد قربانیان جرایم،^{۱۲} این جنبش توجه دولت مرکزی را به خود معطوف نمود. آخرین گزارش یگان ویژه فوق، در بردارنده بیش از شصت تقاضا در خصوص

11. Smith Bernt & Stoen John & Ward Richard, 'Public Support for the Victim's Rights', p. 488.

12. "President's Task Force on Victims of Crime"

این واحد در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر تأسیس شد و بدون تردید در تداوم اقداماتی بوده است که جانسون در خصوص بهبود وضع جنایی امریکا در سال ۱۹۶۷ به عمل آورده بود.

حقوق بزهدیدگان بود که با مسائلی از قبیل بزهدیده و پلیس، بزهدیده، دادرسی و قضاوت و سایر خدمات و حمایت‌های مربوط به بزهدیده ارتباط مستقیم داشت.^{۱۳}

تا سال ۱۹۸۶، تحولات اساسی‌ای در مورد حقوق بزهدیدگان در کشور آمریکا ایجاد گردید. اکثر ایالات، قوانین مشخصی را در خصوص بزهدیدگان و تأمین حقوق آنان تصویب نمودند که در واقع منعکس‌کننده و پاسخ‌گویی پیشنهادات بخش ویژه ریاست جمهوری بود و امروزه تقریباً ۹۰٪ ایالات متحده، قوانین خاصی برای جبران خسارات قربانیان جرایم دارند. به همین خاطر، «پروفسور دنالد» مدعی است که پدیده حقوق بزهدیدگان در حال حاضر در سیستم عدالت کیفری آمریکا، یک جزء تکامل یافته می‌باشد و حتی حساسیت مسئله توجه به قربانیان جرایم در دولت مرکزی و تعدادی از ایالات به اوج خود رسیده است. به علاوه بسیاری از قوانین موجود با موضوع جبران خسارت بزهدیدگان، ارتباط اساسی دارند.^{۱۴}

با گسترش فعالیت جنبش‌های حمایت از بزهدیدگان، تغییراتی در قوانین شکلی آمریکا ایجاد شده که به بزهدیده اجازه می‌دهد در مرحله صدور حکم به طور مستقیم تأثیرگذار باشد. در بسیاری از ایالات، بزهدیدگان مجازند از دو طریق در امر دادرسی مشارکت فعال داشته باشند: ارائه لایحه که معمولاً به عنوان بخشی از گزارش تقدیم شده، تلقی می‌گردد و ایراد خطابه که در واقع یک درخواست مستقیم توسط قربانی جرم یا نماینده او در خصوص بزهد است. این اقدام گام مهمی در خصوص کاهش از آلام روحی بزهدیده و تسکین وی و تأمین عادلانه ضرر و زیان وارد بر او بوده است. در سال ۱۹۸۲، تنها هشت ایالت به بزهدیده اجازه ارائه لایحه و سه ایالت اجازه ایراد خطابه را می‌دادند که بر اثر ترویج اندیشه حمایت از بزهدیده در سال ۱۹۸۶، ۳۹ ایالت قوانینی را تصویب نمودند که به بزهدیده اجازه ارائه لایحه و ایراد خطابه را در مرحله دادرسی اعطا^{۱۵} می‌نمرد.

13. Smith B. & Sloan, J & Ward R. op.cit. p. 488.

14. Donald, J. Mail. "Victim Voices in Criminal Court", P. 233.

15. Smith. B & Sloan, J. & Ward. R., op.cit, p. 490.

۲) شکوفایی اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جنبش‌های مربوط به آن در اروپا

همزمان با امریکا، اروپا نیز حرکت‌های مؤثری در جهت حمایت از حقوق بزه‌دیدگان و تأمین خسارات آنان انجام داد. لازم به ذکر است که اقدامات انجام گرفته در اروپا به مراتب وسیع‌تر و عمیق‌تر از امریکا بوده است و علت این امر در این حقیقت نهفته است که کشورهای اروپایی، خاستگاه جنبش‌های یاد شده بوده‌اند. شعار معروف «اروپا معتقد است که بزه‌دیدگان نیز انسان هستند» مؤید این نگرش می‌باشد.^{۱۶} با تدوین کنوانسیون اروپایی خسارت‌زدایی از قربانیان جرایم خشونت‌آمیز که در ۲۴ نوامبر ۱۹۸۳ در استراسبورگ فرانسه به تصویب رسید، اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان در اروپا وارد مرحله تازه‌ای شد.

این کنوانسیون که از اول ژوئن ۱۹۹۰ در کشورهای عضو، لازم‌الاتباع گردید،^{۱۷} حاوی نکات مهمی در مورد بزه‌دیدگان است. در بخش اول آن، که در واقع اصول و شالوده موضوع خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان تلقی می‌شود، موادی در خصوص نحوه جبران خسارت پیش‌بینی شده است. ماده ۲ کنوانسیون فوق می‌گوید:

۱. وقتی که ترمیم کامل خسارات به وسیله سایر منابع، قابل تضمین نیست، دولت باید به خسارت‌زدایی از افراد زیر اقدام نماید:

الف. کسانی که متحمل لطمات شدیدی علیه جسم یا سلامت خود شده‌اند که مستقیماً از یک جرم عمدی خشونت‌آمیز ناشی شده باشد.

ب. کسانی که تحت تکفل شخصی بوده‌اند که پس از ارتکاب جرم علیه او، فوت شده است.

۲. خسارت‌زدایی پیش‌بینی شده در بند قبلی، حتی اگر مباشر جرم قابل تعقیب یا

16. Europe agrees that victims are people too.

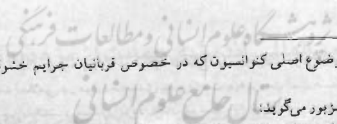
بر اساس نوشته ایروین والر (Irvin Waller) این شعار بر کنفرانس شورای اروپا که در مورد تحقیقات بزه‌دیده‌شناسی و نحوه جبران خسارات آنان در نوامبر ۱۹۸۴ تشکیل گردید، حاکم بود (ر.ک: Separovic, Z.P., Victimology, p. 248)

17. CODE DE PROCEDURE PENALE CODE DE JUSTICE MILIIAIHE, p. 510.

مجازات هم نباشد، انجام می‌شود.

با وجودی که ماده فوق، فقط به خسارت‌زدایی از قربانیان جرایم خشونت‌آمیز توجه نموده است^{۱۸}، لکن پیش‌بینی تأمین خسارت توسط دولت، به ویژه در مواردی که مرتکب جرم به عللی چون فوت قابل تعقیب نیست، یا به خاطر صغر و مانند آن قابل مجازات نمی‌باشد، گام مهمی در جهت حمایت از بزه‌دیدگان محسوب می‌شود. ماده ۴ کنوانسیون یاد شده، خسارت‌زدایی را شامل مواردی از قبیل هزینه‌های پزشکی، مخارج کفن و دفن، درآمدهای از دست رفته و امثال آن می‌داند. نکته بسیار مهم آن‌که بر اساس ماده ۸ این کنوانسیون، احتمال تقلیل یا حذف مبلغ خسارت‌زدایی با ملاحظه رفتار بزه‌دیده در حین تحقق جرم یا بعد از آن مطرح شده است که به نظر می‌رسد فلسفه پیش‌بینی آن، تحریک و تشویق بزه‌دیده به رعایت موارد لازم در جهت خودایمنی پیش از وقوع جرم و خویشنداری هم‌زمان با وقوع جرم و پس از آن باشد.^{۱۹} طرح تأمین خسارات بزه‌دیده توسط دولت‌ها به تدریج در سطح وسیع‌تری مطرح گردید و از جرایم عمدی خشونت‌آمیز به کلیه جرایم تسری یافت.

بر اساس پیشنهادات سمینار اروپایی خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان^{۲۰} که در سال ۱۹۸۴ در مؤسسه هلسنکی^{۲۱} برگزار شد، ابتدا باید بزهکار نسبت به تأمین خسارات بزه‌دیده مسئول شناخته شود لکن در مواردی که هیچ‌گونه جبران خسارتی از ناحیه بزهکار انجام نگرفته و اوضاع و احوال بزه‌دیده نیز به صورت آشکارا و واضح بیان‌گر



۱۸. علت این امر به موضوع اصلی کنوانسیون که در خصوص قربانیان جرایم خشونت‌آمیز تدوین شده بود، مربوط می‌شود.

۱۹. ماده ۸ کنوانسیون مزبور می‌گوید:

۱. مبلغ خسارت‌زدایی ممکن است به دلیل رفتار بزه‌دیده یا متقاضی، قبل، هم‌زمان و یا پس از وقوع جرم یا در ارتباط با خسارات وارده، تقلیل داده شود یا حذف گردد.

۲. هم‌چنین مبلغ خسارت‌زدایی، در صورتی که بزه‌دیده یا متقاضی در بزهکاری سازمان یافته درگیر و وارد شده باشد یا عضو سازمانی باشد که مرتکب جرایم خشونت‌آمیز می‌گردد ممکن است تقلیل یافته یا حذف شود (ibid, p. 617)

۲۰. برای اطلاع بیشتر و... ک:

Separovic. Z.P., op.cit., p. 166.

۲۱. مرکز Helsinki Institute در کشور فنلاند در زمینه پیشگیری و کنترل جرایم فعالیت دارد.

استمداد و نیازمندی وی باشد، دولت‌ها باید از منابع و سرمایه‌های عمومی^{۲۲} نیازهای فوری بزه‌دیدگان را تأمین نموده، مساعدت‌های متمم و تکمیلی را مبذول نمایند. البته در ادامه پیشنهادات فوق، بر جدی گرفتن و التزام بیش‌تر بزه‌کاران نسبت به انجام مسئولیت مدنی آنان در قبال بزه‌دیدگان تأکید شده است و بدون تردید، فلسفه آن، جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی و افزایش بزهکاری در صورت تأمین خسارت توسط دولت‌ها بوده است.

در میان کشورهای اروپایی، موقعیت فرانسه در خصوص وجود انجمن‌ها و مؤسسات متعدد حمایت از بزه‌دیدگان و ابعاد مختلف مساعدت نسبت به آنان از سایر کشورها برجسته‌تر است.^{۲۳} به عبارت دیگر، اندیشه حمایت از بزه‌دیده و جنبش‌های مربوط به آن بیش‌ترین تأثیر را در سیاست جنایی فرانسه داشته است؛ به عنوان نمونه، بر اساس قانونی که در سوم ژانویه ۱۹۷۷ به تصویب رسید، دولت در مواردی که مجرم مفلس یا نامعلوم باشد، در جهت جبران خسارت بزه‌دیده، جانشین مجرم می‌گردد.^{۲۴} به همین منظور کمیسیون ویژه‌ای متشکل از قضات و مستشاران دادگاه استیناف، تعیین میزان خسارت را به عهده گرفته است.

در سال ۱۹۸۱ وزارت دادگستری فرانسه، دستور تشکیل کمیسیونی را به ریاست پروفیسور «میلیه»، به منظور ارائه پیشنهاداتی ملموس در جهت بهبود وضعیت زیان‌دیدگان از جرم و ایجاد دوایر پذیرش در برخی از حوزه‌های قضایی صادر نمود که

۲۲. خوشبختانه مسئله تأمین خسارت بزه‌دیدگان در موارد خاصی توسط دولت در قوانین کیفری ایران پیش‌بینی شده است. به علاوه در فقه اسلامی در موارد متعددی به پرداخت دیه از بیت‌المان مسلمین اشاره شده است.
 ۲۳. البته در کشور انگلستان نیز با انتشار منشور بزه‌دیدگان توسط وزارت کشور، در فوریه ۱۹۹۰، موقعیت جنبش‌های حمایت از بزه‌دیدگان ارتقا یافته، اندیشه حمایت و طرح‌های مربوط به آن وارد مرحله تازه‌ای شد. این منشور که به تعبیر باتامس (Bottoms) موضوع بزه‌دیده را به یک قدرت در سیستم حقوقی انگلستان مبدل نمود، در ابعاد مختلف بالأخص تأمین خسارت بزه‌دیدگان و شرکت فعال آنان در امر دادرسی، تحولانی ایجاد کرد لکن این تحولات قابل مقایسه با اقدامات انجام گرفته در کشور فرانسه نمی‌باشد؛ به ویژه آن‌که از نظر زمانی نیز متأخر از فرانسه است.

برای اطلاع بیش‌تر از منشور بزه‌دیدگان (Victim's Charter) و نقد آن ر.ک:

Mawby & Waklate, op.cit., p. 189-179

۲۴. ژان پرادل، همان، ص ۱۴۴.

نهایتاً در سال ۱۹۸۲، دفتر حمایت از کلیه قربانیان جرایم، در دادگستری فرانسه تأسیس شد و زمینه‌ای برای تصویب قانونی در هشتم ژوئیه ۱۹۸۳، تحت عنوان «قانون تحکیم حمایت بزهدیدگان» فراهم آمد.^{۲۵} این قانون، مداخله بزهدیدگان را در دعوای کیفری و تسهیل و جبران خسارت آنان را به خصوص با توسعهٔ موارد اخذ خسارت و ساده کردن آیین دادرسی تضمین کرده است. امروزه بیش از ۱۵۰ انجمن کمک به قربانیان جرایم در کشور فرانسه فعالیت دارند که همگی عضو «مؤسسه ملی کمک به بزهدیدگان و میانجی‌گری»^{۲۶} می‌باشند. این مؤسسه که در سال ۱۹۸۴ تشکیل شده است، همه ساله با مساعدت‌های مالی دولت و هم‌چنین مؤسسات خیریه عمومی، حدود ۷۵۰۰۰ بزهدیده را در زمینه‌های میانجی‌گری، تهیه لایحه و معاضدت قضایی در جرایم خاصی چون تجاوز به عنف، اقدامات تروریستی، جرایم علیه اطفال و امثال آن می‌پردازد که حکایت از تخصصی بودن کار آن دارد. در میان حمایت‌های متعددی که از بزهدیدگان در ابعادی چون پزشکی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و... در کشور فرانسه^{۲۷} اعمال می‌شود، دو مطلب حائز اهمیت است که یکی موضوع میانجی‌گری یا حل و فصل غیرقضایی و اجباری بودن آن در موارد کم‌اهمیت می‌باشد و دیگری پیش‌بینی واحدی به نام بخش پزشکی - قضایی در برخی از بیمارستان‌ها است که در کنار فعالیت‌های پزشکی، ضابطین قضایی نیز اقدامات لازم و تحقیقات مورد نظر را در همان مکان و زمان انجام می‌دهند.^{۲۸}

۳) شکوفایی بین‌المللی اندیشهٔ حمایت از بزهدیدگان

اندیشهٔ حمایت از بزهدیدگان به تدریج رنگ و بوی جهانی گرفته، در سطوح فراملی، بین منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح گردید. عالی‌ترین مرحله از شکوفایی و اقتدار طرح

۲۵. مارک آنسل، همان، ص ۱۵۲.

26. INAVEM.

27. Fillzola Gina, Victimes of Victimologie, p. 107-172.

28. Ibid, p. 109.

حمایت از بزه‌دیدگان، در اعلامیه سازمان ملل متحد تبلور یافته است که تحت عنوان «اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت»^{۲۹} منتشر شد. این اعلامیه که بر اساس توصیه کنگره هفتم^{۳۰}، در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ توسط مجمع عمومی پذیرفته شد و طی قطعنامه شماره ۴۰/۳۴ ارائه گردید، حاوی ۲۱ ماده در خصوص حمایت از بزه‌دیدگان است که هر جزئی از آن چشم‌انداز جدیدی را در راستای حمایت از بزه‌دیدگان در سطح جهانی نوید می‌دهد.^{۳۱}

این بیانیه در دو بخش: قربانیان جرایم و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، تدوین شده است. در بخش اول مواردی چون تعریف بزه‌دیده، دسترسی آسان بزه‌دیده به دادگستری و برخورد منصفانه با وی، جبران خسارات بزه‌دیده و سایر مساعدت‌ها مدنظر قرار گرفته است.

ماده ۱ اعلامیه فوق، بزه‌دیده را شخصی می‌داند که به صورت فردی یا جمعی، از طریق فعل یا ترک فعل، قوانین جزایی قابل اجرا در داخل دولت‌های عضو را نقض می‌کند، مانند سوءاستفاده از قدرت، ایراد صدمه (اعم از فیزیکی و روانی) و آسیب هیجانی، ضرر اقتصادی یا لطمه به حقوق اساسی.

نکته مهم آن‌که در ماده ۲ اعلامیه، شناخت بزه‌دیده و ملاحظه موقعیت حقوقی و انسانی او، به تعقیب، دستگیری یا محکومیت مجرم موکول نشده است. به عبارت دیگر، حتی اگر مباشر جرم شناخته نشود یا دستگیر نگردد، بزه‌دیده باید به امتیازات و حقوق پیش‌بینی شده، دست یابد. شاید بتوان مهم‌ترین و مترقی‌ترین ماده از مواد اعلامیه مزبور را ماده ۳ آن دانست که مقررات پیش‌بینی شده را برای کلیه بزه‌دیدگان قابل اعمال دانسته، می‌گوید:

این مقررات باید برای همه بزه‌دیدگان، بدون ملاحظه هیچ نوع تفاوت و امتیازی از

29. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power.

۳۰. این کنگره در تاریخ فوق، تحت عنوان پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران تشکیل شده بود.

۳۱. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در قطعنامه ۱۹۸۹/۵۷ در ۲۴ مه ۱۹۸۹ راه‌های عملی و اجرایی اعلامیه یاد شده را بررسی و دستورالعمل‌هایی را در این زمینه صادر نمود. در این قطعنامه از کلیه کشورهای عضو خواسته شده است که با تخصیص بودجه لازم، امکان عملی شدن مواد اعلامیه و اصول اساسی عدالت را برای بزه‌دیدگان فراهم نمایند.

قبیل: نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان، مذهب، ملیت، گرایش سیاسی، اعتقادات، عملکرد فرهنگی، دارایی، موقعیت‌های خانوادگی یا قومی و ضعف و ناتوانی‌ها، قابل اعمال باشد. ۳۲

اعلامیه فوق، پس از تعریف و تبیین بزه‌دیده به طرق احقاق حقوق آن‌ها پرداخته، ضرورت دسترسی آسان به مراجع قضایی و برخورد دلسوزانه مسئولان امر را با آنان یادآوری می‌نماید (ماده ۴). هم‌چنین آگاه ساختن بزه‌دیدگان به حقوق خویش، تسریع در احقاق حقوق آن‌ها (ماده ۵ و ماده ۶۵) اجازه اظهار نظر و توجه به نظرات آنان (ماده ۶۵) مورد عنایت تهیه‌کنندگان اعلامیه یاد شده قرار گرفته است.

نکته برجسته دیگری که در ماده ۷ اعلامیه فوق به چشم می‌خورد یادآوری این مطلب مهم است که مکانیسم‌های غیررسمی برای حل و فصل اختلافات از جمله میانجی‌گری، داوری و اقدامات عدالت‌خواهانه مرسوم یا بومی، برای تسهیل آشتی و مصالحه و جبران خسارت بزه‌دیدگان، باید مورد استفاده واقع شوند. این ماده، بیانگر این حقیقت است که در برخی موارد، حقوق بزه‌دیدگان و برگشت آن‌ها به وضعیت عادی قابل قبول، از طریق وساطت و میانجی‌گری‌های مرسوم، به مراتب وسیع‌تر و صحیح‌تر تأمین می‌شود؛ به ویژه آن‌که تأثیر منفی معضلات و پیچیدگی‌های تشریفات دادرسی، در مواردی کم‌تر از لطمه‌هایی که توسط مجرم بر بزه‌دیده وارد شده، نمی‌باشد. در ادامه موارد فوق، اعاده حقوق و جبران خسارت بزه‌دیده مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۹ از دولت‌ها می‌خواهد که در امر دادرسی، جبران خسارت را به عنوان یک ضمانت اجرایی مجازات، در کنار سایر ضمانت‌ها تلقی کنند و در ماده ۱۲ از دولت‌ها می‌خواهد که جبران خسارت بزه‌دیده به صورت کامل از سوی مجرم به عللی (از جمله فرار یا فقر وی) یا از طریق سایر منابع (مثل خیریه‌ها، بیمه)

۳۲. این ماده در واقع نوعی اعتراض به حقیقت تلخی است که در اغلب جوامع، بزه‌دیدگانی که بومی یا از نژاد خاصی هستند یا از نظر عقاید مذهبی، بینش خاصی دارند، در نحوه برخورد نیروی انتظامی، دانشن موقعیت حقوقی در سیاست جنایی نغزینی و حتی در سیاست جنایی و قضایی و عملکرد جوامع قضایی در مقایسه با سایر بزه‌دیدگان، جایگاه برتری دارند که چنین برخوردی، نداعی‌کننده و اکنش‌های اجتماعی تبعیض‌آمیز دوران باستان می‌باشد.

عملی نمی شود، رأساً تلاش نمایند تا به نحوی خسارت مالی را تأمین کنند. در این قسمت، تقویت و توسعه بودجه ملی برای جبران خسارت بزه دیدگان، مورد تشویق قرار گرفته است. (ماده ۱۳)

در مواد ۱۴ - ۱۷ به ضرورت کمک های دارویی، روانی، اجتماعی و سایر مساعدت های لازم در خصوص بزه دیدگان و تأمین آنها اشاره شده است. در قسمت ۲ اعلامیه یاد شده (مواد ۱۸ - ۲۱) سوء استفاده از قدرت مدنظر قرار گرفته و دولت ها مکلف شده اند به موقعیت حقوقی بزه دیدگان را در مقابل سوء استفاده کنندگان از قدرت به رسمیت شناخته و از آنان جبران خسارات نمایند. قربانیان جرم سوء استفاده از قدرت، بزه دیدگانی هستند که صدمه یا آسیب وارده و یا نقض حقوق اساسی آنها، از طریق اعمال یا ترک افعالی صورت گرفته که بر اساس قوانین جزایی ملی (داخلی) هنوز جرم تلقی نمی شود لکن اصول به رسمیت شناخته شده بین المللی در خصوص حقوق بشر، آن را ممنوع ساخته است. سوء استفاده کننده از قدرت ممکن است یک شخص مقتدر و یا نفوذ غیردولتی در یک طایفه باشد و یا یک مأمور عالی رتبه دولتی، در قالب اداری، قضایی، نظامی، انتظامی و امثال آن با اعمال قدرت خویش، حقوق اساسی و انسانی افراد را زیر پا گذاشته، به اجحاف و اجبار بگرداند. با وجودی که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در قطعنامه شماره ۱۹۸۹/۵۷ در ۲۴ مه ۱۹۸۹ دستورالعمل های اجرایی اعلامیه فوق را تهیه کرده، متأسفانه تاکنون تعداد زیادی از کشورها به علت دربرداشتن بار مالی نسبتاً زیاد، مفاد اعلامیه را به صورت کامل، وارد حیطه کاربردی سیاست جنایی خویش ننموده اند و به نظر می رسد مهم تر از مشکل مالی، وجود تعصبات ملی و فرهنگی و هم چنین افول ارزش های اخلاقی، مانع اصلی اجرای پیشنهادات مزبور می باشد که در هر صورت ثمره عدم اجرای مواد مزبور، عدم تأمین حقوق بزه دیدگان و افزایش احتمال بزه دیدگی مجدد و مکرر خواهد بود.

۴) اندیشه حمایت از بزهدیدگان در ایران

در کشور ما به رغم وجود مبانی فرهنگی و عقیدتی عمیق در خصوص خسارت‌زدایی و تأمین حقوق بزهدیدگان^{۳۳} و پذیرش عمومی اندیشه حمایت از قربانیان جرایم که ناشی از نوع دوستی و محبت است و با وجود مواد قانونی متعدد و نسبتاً مطلوب، موضوع بزهدیده در انزوا و فراموشی قرار دارد و خلأ سازمان‌ها و انجمن‌هایی که به صورت سازمان یافته و حتی‌المقدور غیرقضایی به کمک بزهدیدگان بشتابند، کاملاً محسوس است. متأسفانه در ایران نه از تشکل‌ها و انجمن‌های وساطت و میانجی‌گری آن‌گونه که در اغلب جوامع پیشرفته مطرح است، خبری هست و نه از کانون‌های وکالت رایگان برای بیچارگان، آن‌گونه که انریکو فری پیشنهاد کرده است. هم‌چنین مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه نیز تاکنون به صورت سازمان یافته به این جهت‌گرایش پیدا نکرده‌اند. به علاوه دولت نیز بودجه‌ای را برای این امر پیش‌بینی ننموده است.

تنها موردی را که در این خصوص می‌توان مطرح نمود پیش‌بینی واحدهایی به نام واحد ارشاد و معاضدت قضایی است که بر اساس ماده ۳۰ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، به منظور ارشاد قضایی و راهنمایی افراد نیازمند در هر حوزه قضایی و زیر نظر معاون قضایی آن حوزه، با تعداد لازم مشاور، کارشناس و کارمند تشکیل می‌شود. این واحدها دارای ماهیت اداری‌اند و می‌توانند تا حد نیاز بزهدیده را در مرحله احقاق حق و دادرسی تأمین نمایند. لکن حق مطلب آن است که گستردگی نیازهای بزهدیدگان، ضرورت تشکیل مؤسسات و انجمن‌های تخصصی‌تر و سازمان یافته‌تری را می‌طلبد که در وهله اول در قالب غیرقضایی و در وهله دوم به شکل منظم، سریع و همه‌جانبه به یاری بزهدیدگان شتافته و به ویژه با ترویج میانجی‌گری، جز در موارد خاص، قبل از اقامه دعوا در محاکم، به حل و فصل مسالمت‌آمیز خصومت پرداخته، بازویی توانا برای محاکم محسوب گردند و به تعبیر خانم «لازرژ» سیاست

۳۳. در فرهنگ اسلامی، اهمیت حقوق بزهدیده، حرمت خون مؤمن و جلوگیری از هدر رفتن آن، ضرورت پرداخت دبه مقتول از بیت‌المال در مواردی از جمله فرار قاتل یا وقوع قتل در ازدحام جمعیت و ... مورد تأکید قرار گرفته است.

جنایی مشارکتی^{۳۴} را تحقق بخشند. مهم‌ترین اشکال واحدهای معاضدت و ارشاد قضایی آن است که از سویی قوه قضائیه را از بی طرفی خارج می‌سازد^{۳۵} و از سوی دیگر به رغم دارا بودن ماهیت اداری، به جهت انتساب آن به مراجع قضایی عملاً رنگ و بوی قضایی داشته و نمی‌تواند تأمین‌کننده خواسته‌ها و اندیشه‌های حمایت از بزه‌دیدگان و قاطع مسالمت‌آمیز خصومت‌ها باشد؛ به ویژه آنکه واحدهای فوق، اختصاصی به بزه‌دیدگان ندارد بلکه بر اساس ماده ۳۲ آیین‌نامه مزبور، شامل مجرمین زندانی و خانواده‌های آنان نیز می‌شود. در مجموع حمایت از بزه‌دیدگان در ایران، مستلزم تأسیس سازمان‌ها و مؤسسات غیرقضایی با کادر متخصص و آگاه و نیز بودجه کافی است که باید در ایجاد آن‌ها تلاش شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳۴. کریستین لازرژ، سیاست جنایی، ص ۱۲۳.

منظور وی از سیاست جنایی مشارکتی، شرکت وسیع جامعه و عموم مردم در امر پیشگیری از جرم و برخورد با مجرم و بزه‌دیده است که در واقع در کنار پلیس یا قوه قضائیه به سیاست جنایی متخذه از جانب قوه مجریه و مقننه اعتبار می‌بخشد.

۳۵. ماده ۳۱ آیین‌نامه فوق می‌گوید: «مشاوران، کارشناسان و کارمندان واحد ارشاد و معاضدت قضایی موظفاندا با ارجاع رئیس حوزه قضایی یا معاون وی، افراد نیازمند را ارشاد و راهنمایی نمایند و عنداللزوم نسبت به توزیع لواحق و عرابض مورد نیاز اقدام کنند، بدون این‌که در تصمیمات قضایی و امور اداری دادگاه‌ها و دفاتر دخالت نمایند».

مآخذ

- ۱- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵) ج ۳.
- ۲- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰).
- ۳- توجهی، عبدالعلی، «سیاست جنایی حمایت از بزهدیدگان»، مجله مجتمعی آموزش عالی قم، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۸.
- ۴- عبدالفتاح، عزت، «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزهدیده»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و سوسن خطاطان، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۳.
- ۵- گسن، ریموند، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا (تهران، چاپخانه علامه طباطبائی، ۱۳۷۰).
- ۶- لازرژ، کریستین، سیاست جنایی، ترجمه نجفی ابرندآبادی (تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۵).
- 7- CODE DE PROCEDURE PENALE CODE DE JUSTICE MILIAIHE, DALLOZ, 1991, 2.
- 8- Bernt, Smith & John, Stoaan & Richard, Ward, "Public Support for the Victim's Rights", Crime & Delinquency, Vol. 39- No 4 (1990).
- 9- Gina, Fillzzola, Victimes of Victimologie (Presses Universitaires de france, 1995).
- 10- Mail, Donald. J., "Victim Voices in Criminal Court", Americal Criminal Law Review, Vol. 28, No. 2 (1991).
- 11- Mawby, R.L. & Late, Walk, Critical Victimology (London, Sage Publication, 1994).